ج) تنافی تعبیر «وقق» با تفضل و تعبد در اجزاء

ات یادم نرفته مرحوم حاج آقا رضا در بحث نیت مطالب خیلی خوبی دارند. در صوم هم دارند. فقط وقتی به این دو-سه روایت میرسند، این تعبیر را دارند:

در صفحه ۳۳۷ ابتدا روایت سماعه را نقل میکنند و بعد دو روایت زهری را میآورند و بعد میفرمایند:

> **و يستشعر من الخبر الأوّل أنّ الاكتفاء به عن صوم رمضان مخالف للأصل , ولكن الشارع أمضاه من باب التفضّل والتوسعة , ولكنه يظهر من هذه الرواية وكذا من غيرها من الروايات الآتية : أنّه على وفق الأصل , وأنّ المطلوب منه لم يكن إلّا الصوم في هذا اليوم , وقد حصل , كما قوّيناه في ما سبق[1]**

«و يستشعر من الخبر الأوّل»؛ همین موثقه سماعه است که الآن میخواهم بخوانم. این «یستشعر» ایشان با برداشت مرحوم شیخ یکی است. بعد میگویند سائر روایات که با این نمی سازد. یعنی گویا از این استشعار اعراض میکند. آن چیزی که من میخواهم عرض کنم حتی این هم نیست. یعنی روایت «تفضل» اصلاً این استشعار و برداشتی که مرحوم شیخ میفرمایند نیست. حالا من روایت را میخوانم:

> **عن سماعة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل صام يوما والا يدري أمن شهر رمضان، وهو أو من غيره فجاء قوم فشهدوا أنه كان من شهر رمضان، فقال بعض الناس عندنا لا يعتد به فقال: بلى فقلت: إنهم قالوا: صمت وأنت لا تدري أمن شهر رمضان هذا أم من غيره؟ فقال: بلى فاعتد به فإنما هو شئ وفقك الله له، إنما يصام يوم الشك من شعبان، ولا يصومه من شهر رمضان لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك، وإنما ينوي من الليلة أنه يصوم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله وبما قد وسع على عباده، ولولا ذلك لهلك الناس.[2]**

«...فقال بعض الناس عندنا لا يعتد به»؛ اینکه فایده ندارد، اینکه روزه نداشت. **«فقال: بلى»**؛ یعنی به آن اعتداد هست. **«فقلت: إنهم قالوا: صمت وأنت لا تدري أمن شهر رمضان هذا أم من غيره؟»؛** نمیدانستی که، چه فایدهای دارد؟! **«فقال: بلى»؛** به این حرف اعتناء نکن،

«فإنما وه شئ وفقك الله له»؛ خدا تو را موفق کرده که روزه ماه مبارک را گرفته‌ای، ولو نمی دانستی. تو به آن اعتناء بکن. **«إنما يصام يوم الشك من شعبان»؛** می‌گویی‌م که یوم الشک را از شعبان بگیری، **«و لا يصومه من شهر رمضان»؛** نیت ماه مبارک نکن، چرا؟ چون شارع نمی خواهد متفرق شوید. **«لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك»؛** یکی بگوید ماه مبارک است لذا من روزه‌ام و دیگری بگوید که روزه نیستم. ماه مبارک باید همه با هم روزه باشند. پس برای نفی انفراد به صیام شارع فرموده نیت ماه شعبان بکن مستصحباً.

«وإنما يونى من الليلة أنه يصوم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله و بما قد وسع على عباده، ولولا ذلك لهلك الناس»؛ این است که مرحوم شیخ مدام تکرار می‌کنند که حضرت فرمودند «أجزأ بتفضل». یعنی امتثال نکرده، اگر تفضل خدا نباشد باید برود قضا کند. تفضل خدا آمد و مجزی شد. خب الآن در اینجا تفضل به چه معنا است؟ تفضل خدا به چیست؟ او که امتثال نکرد؟ خدا می‌گوید قبول دارم؛ تفضلاً منّی.

مرحوم شیخ در اینجا «وسّع» را آوردند اما آن چه که من می‌خواهم عرض کنم این است: سه جمله پشت سر هم است، چرا همه آن‌ها را پشت هم نیاوری‌م؟! جالب این است که صاحب حدائق تنها «هلک» را معنا کرده‌اند. جلد سیزدهم، صفحه 42. مرحوم حکیم هم در مستمسک دارند؛ در صفحه ۲۰۱ ملاحظه بفرمایید.

> 38:47

آن چیزی که می‌خواهم عرض کنم که مقصود حضرت در اینجا خیلی روشن است. اصلاً نمی‌خواهند بفرمایند تفضل در اینجا یعنی تو روزه را انجام ندادی. به این دلیل که چرا قبلش فرمودند «وقف»؟! خب روایت باید با هم جور در بیاید. اول می‌فرمایند برای صوم موقف شدی، بعد بگویند موقف نشدی بلکه خدا تفضل کرده! این تفضل هم تعبدی است و تفضلی است که از ناحیه خدا است. جالب است که خود مرحوم شیخ می‌فرمایند مردم از روایات مستفیضه این جور می‌فهمند. آیا معقول است از ظهوری که این روایات مستفیضه بین الناس دارد، عدول کنیم به‌خاطر یک روایتی که حضرت در آن روایت کلمه «تفضل» را به کار برده‌اند؟! این از آداب استظهار است؟! روایات مستفیضه را صدها نفر شنیده‌اند و نقل کرده‌اند، خود مرحوم شیخ می‌فرمایند که ما آن را استظهار می‌کنیم اما وقتی یک کلمه «تفضل» می‌آید می‌گویند که از اینها دست بر می‌داریم. اگر مستفیضه نبود می‌گفتیم که یک روایت است. اما در روایات مستفیضه مهم آن استظهار عرف عام است.

---

[1] مصباح الفقيه ج۱۴ ص۳۳۸

[2] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۳

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 11:10:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 11:15:11 توسط ... .